

یکشنبه • ۲۹ شهریور ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۰۲ • ۹

شرق روزنامه جهان

دژمهلک اروپا	صفحه ۱۰
دوره اروپا، گفت‌وگو با اتی‌ین بالیبار، فیلسوف فرانسوی	صفحه ۱۱
مهاجرت و مرئیة سرمایه اجتماعی ترک‌خورده	صفحه ۱۲

نگاه

سیاست باطعم اخلاق محمد دهدشتی

تصمیم دولت آلمان مبنی بر پذیرش ۸۰۰ هزار نفر از پناهندگان خاورمیانه در روزهای اخیر با امواج بسیار مثبت رسانه‌ها، نهادهای مردمی و دولتی و افکار عمومی به‌خصوص در کشورهای جهان سوم و مسلمانان مواجه شده است. در شرایطی که بیشتر دولت‌های غربی با اصلا اراده‌ای برای پذیرش هرچند اندک مهاجران ندارند یا به اکراه و تحت فشار، حاضر به اسکان حاکنر چندهزارنفری از آنها شده‌اند، این تصمیم آلمان ابتدا با ناباوری و سپس ذوقزدگی فراوان روبه‌رو شد. در روزهای گذشته تحلیل‌های زیادی مبنی بر رفتار انسان‌دوستانه و اخلاقی آلمان در رسانه‌های ایران منتشر شده است که تقریبا همگی آنها ضمن نکوشش رفتار بقیه دولت‌های اروپایی، آلمان و آلمانی‌ها را الگوی جوانمردی و گذشت معرفی کرده‌اند. تجمع آلمانی‌ها در ایستگاه‌های قطار برای استقبال و پذیرایی از پناهندگان و مشاهده رفتار آنها در قیاس با مأموران و مردم مجارستان و بسجج دولت آلمان و در رأس همه آنها دولت آنکلا مرکز، هیچ تردیدی در این رفتار انسانی باقی نمی‌گذارد. چنان‌که هم‌اکنون فضای مجازی سرشار از تصاویر و متن‌های حاکی از شکوه و شخصیت این کشور است.

با این همه و براساس دلایل کاملا آشکار، این تصمیم جنبه‌های متعددی دارد که درمجموع به سیاست‌های استراتژیک دولت آلمان برمی‌گردد و نگاه انسان‌دوستانه به آن، تنها بخشی از ماجراست.

۱. در هر جامعه‌ای اقشاری از مردم به هر دلیلی برای موارد اخلاقی اهمیت ویژه قائلند و در مواقع بحرانی به شکل فردی یا جمعی به کمک دیگران می‌شایند، چنان‌که حتی در اوج رفتار نامناسب دولت مجارستان با پناهندگان، تعدادی از مردم این کشور از هر نوع کمک و عذرخواهی نسبت به آنها دریغ نمی‌کردند. مشاهده رفتار انسانی و بسیار خوشایند تعدادی از آلمانی‌ها نسبت به پناهندگان، نشان‌دهنده روح رفتار جمعی همه آلمانی‌ها نیست و مسلما در هر کشور دیگری نیز علاقق و سلایق متفاوتی وجود دارد و نمی‌توان منکر چنین دیدگاه‌هایی در کشورهایمانند اتریش، فرانسه، انگلستان، دولت‌های اسکندینیایو و دیگر کشورهای جهان شد. بدون تردید این مردم نماینده همه جامعه آلمان نیستند تا بتوان ادعا کرد که فشار افکار عمومی آلمان، دولت این کشور را وادار به اخذ چنین تصمیمی کرده است تا مردم این کشور نسبت به دیگر ملت‌ها از درک انسان‌دوستانه‌تری برخوردار هستند.

۲. دولت و مردم آلمان بعد از جنگ جهانی دوم به اشکال مختلف درصدد بازسازی رفتار خود بوده‌اند، چنان‌که هنوز هم به اسرائیل غرامت می‌پردازند. باین‌همه، رفتار غیرانسانی آنها در خلال جنگ جهانی دوم چنان تأثیرات منفی داشت که هنوز هم قادر به ترمیم آن نشده‌اند. پذیرش انبوهی از پناهندگان بعد از فجایع ماه‌های اخیر، یکی از بهترین فرصت‌ها برای بازسازی این روحیه در سطح جهانی و بازگشت به عرصه اخلاقی جهانی است.

۳. ویلهم اول در جنگ جهانی اول تبلیغات وسیعی را برای جلب قلوب مسلمانان به راه انداخت تا جایی که حتی شایعه مسلمان‌شدن او به گوش رسید. در جنگ جهانی دوم نیز شعار نژاد برتر آریایی چنان به مذاق ایرانی‌ها خوش آمد و مخالفت با یهودی‌ها چنان باعث استقبال عرب‌ها شد که نتهتای امثال رشادها، بلکه بسیاری از نجیبان سیاسی، مذهبی و روشنفکری نیز در ایران و جهان اسلام به‌شدت طرفدار هیتلر و آلمان شدند. سیاست فعلی آلمان برای نفوذ در شرق، ادامه همان سیاست‌های استراتژیک آلمان در طول قرن بیستم است. تنفر از سیاست‌های استعماری دولت‌هایمانند انگلستان، آمریکا، روسیه و حتی فرانسه، بهترین زمینه برای نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در منطقه حساس خاورمیانه و اعلام پذیرش ۸۰۰ هزار پناهنده بهترین تبلیغ برای بیمه‌کردن نام آلمان است.

۴. آلمان در حال حاضر سومین قدرت اقتصادی جهان است و ادامه این روند با جمعیت بسیار یز این کشور، بسیار مشکل خواهد بود. تزریق یک نسل سرباز برای آینده اقتصاد این کشور ضروری است. تأکید مرکز

مبنی بر آموزش فرهنگی و هضم کودکان پناهندگان در فرهنگ آلمان، بهترین نمونه درک این رفتار است. براساس هدف دولت آلمان، این کودکان با دریافت آموزش‌های رسمی به‌زودی در چارچوب سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی کشور قرار گرفته و چون با تمام وجود به دنبال تثبیت خود در کشور جدیدشان هستند، به نیروهای بسیار کارآمد در آینده‌ای نه‌چندان دور تبدیل خواهند شد.

۵. آلمان از زمان بیسمارک مهم‌ترین قدرت اروپا بوده و در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین کشورهای جهان است که باوجود همه غرور و افتخار ملی و برخورداری از یک فرهنگ و اقتصاد قوی به دلایل ناشی از شکست در دو جنگ جهانی، از جایگاه طبیعی خود در عرصه بین‌المللی دور افتاده است. قدرت آلمان در شورای امنیت و دور نگه‌داشتن آن از بسیاری از قله‌های عبیرت در صحنه جهانی باعث رؤیای بازگشت به بالاترین عرصه‌های قدرت در سطح بین‌المللی نبوده و نخواهد بود.

تحولات چند دهه گذشته در دنیا از جنبه‌های مختلف، زمینه را برای تحقق این رؤیا فراهم کرده است، اما هنوز هم آلمان از نظر قدرت نرم، از بسیاری از دولت‌های بزرگ جهان مانند آمریکا، انگلستان و فرانسه عقبتر است و باید روی قدرت فرهنگی و نفوذ سیاسی خود بسیار زیاد تمرکز و فعالیت کند. منطقه خاورمیانه و جهان اسلام و افکار عمومی کشورهای جهان سوم قطعا در آینده صحنه رقابت دولت‌ها و ملت‌های بزرگی خواهد بود که هریک با توسل به انواع ابزارها، در صدد نفوذ در آنها برمی‌آیند. تصمیم دولت آلمان مبنی بر پذیرش ۸۰۰ هزار نفر از پناهندگان مسلمان، قطعا باعث افزایش و تثبیت نفوذ آلمان در جهان اسلام شده و در رقابت با دیگر دولت‌های بزرگ جهانی موقعیتی استثنایی به این کشور خواهد بخشید.

پدیده‌ای به نام کوربین

اهمیت پیروزی «جرمی کوربین»، رهبر جدید حزب «کارگر» بریتانیا، بر نمی‌توان فقط در محدوده سیاست داخلی این کشور در نظر گرفت. پیروزی او می‌تواند بر عرصه بین‌الملل و سیاست‌های منطقه‌ای اتحادیه اروپا و حتی سیاست‌های بین‌الملل نیز تأثیر بگذارد. به گفته یکی از هواداران جرمی کوربین، تمامی سوسیالیست‌ها در اعتقادات باطنی او سهیم هستند؛ اما پایبندی به اصول بدون داشتن قدرت چه فایده‌ای خواهد داشت. یونان شاهد قدرت‌گرفتن گروه‌های چپ‌گرا بود که به حزب سیاسی حاکم «سیریزا» تبدیل شد؛ اما «الکسیس سیراس»، رهبر این حزب، بعدا از مقام خود استعفا داد و بار دیگر بخت خود را در معرض آزمایش گذاشت. حزب «پودموس» اسپانیا با موضع ضدریاضت اقتصادی و سیاستی متفاوت برای مدتی یکی از محبوب‌ترین احزاب سیاسی اسپانیا بود؛ اما این روند فقط شامل احزاب چپ‌گرا نمی‌شود؛ بلکه در بسیاری از کشورهای اروپایی احزاب ملی‌گرای افراطی هم موقعیت بهتری پیدا کرده‌اند.

در آمریکا هم دیگر احزاب راست‌گرا یکه‌تاز میدان سیاست نیستند. «برنی سندرز»، که مانند هزاران نفر را به گردهمایی‌های انتخاباتی او کشانده است، از طرفی دیگر بیل بلاسیو، شهردار نیویورک صرفا براساس مواضع چپ‌گرایانه خود و وعده مبارزه با نابرابری انتخاب شد. در کشورهای غربی اقلیت در خور ملاحظه‌ای وجود دارند که دیگر جهان‌بینی متعارف را قبول ندارند و خواهان راه‌حل‌های متفاوت و نامتعارف‌تری هستند. این اقلیت همچنین خواستار صداقت و اصالت سیاست‌مدارانی هستند که به جای حرف‌های و تکرار شعارهای توخالی، هراسی از بیان نظرات و اعتقادات خود نداشته باشند؛ کسانی که ورود به سیاست برای آنها تنها انتخاب شغل نیست، بلکه می‌خواهند تغییراتی ایجاد کنند؛ اما پایبندی به اصول آن نیست.

جرمی کوربین حالا که به رهبری حزب کارگر انتخاب شده است، دیگر نمی‌تواند فقط اعتقادات خود را بیان کند، بلکه باید سیاست‌های توافق‌شده با سایر اعضای حزب را هم در نظر داشته باشد. پایبندی به اصول حزب و حفظ صداقت برای بسیاری از مخالفان کوربین در داخل حزب کارگر هم مشکل شده است؛ آنها چگونه می‌توانند پیرو رهبری باشند که با او مخالفند؛ ولی صداقت پایه‌ای خود به اصول حزب را هم حفظ کنند؟ دراین‌میان تجربه احزاب دیگر کشورهای اروپایی هم نشان‌دهنده دشواری راه است.

حزب سیریزا در یونان در مواجهه با واقعیت مجبور شد بسیاری از وعده‌های انتخاباتی خود را کنار بگذارد. این حزب ممکن است دوام بیاورد و به عنوان یک حزب میانه‌رو متمایل به چپ به حیات خود ادامه دهد، اما بسیاری از حامیان پرشور خود را به شدت سرخورده کرده است.



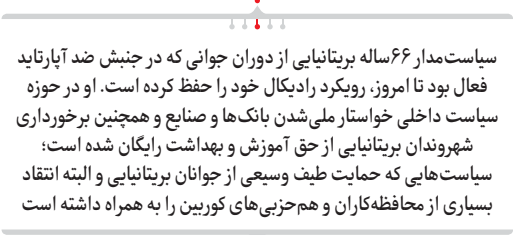
عکس: Reuters

نگاهی به سیاست‌های رهبر جدید حزب «کارگر» بریتانیا

اتوپیانیسم کوربین برای سیاست خارجی

کتاب «اسلام‌گرایی و اسلام» آورده است، دانست: او در این کتاب ضمن تمایز قائل‌شدن میان مسلمانان عادی و اسلام‌گرایان، به عنوان کسانی که از اسلام همچون ابزاری سیاسی استفاده می‌کنند، اشاره کرده است برخی از چپ‌های غربی نیز در رواج‌دادن عقاید گروه‌های بنیادگرای مذهبی سهیم بوده‌اند و در مقابل اسلام‌گرایان تندرو نیز از اصطلاحات و ادبیات ضد امپریالیستی چپ‌ها استفاده می‌کنند. طبعی با انتقاد از این طیف از چپ‌ها، که بسیاری از چپ‌های رادیکال بریتانیایی از جمله «کوربین» یا «الکس کالینیکوس»، رهبر «حزب کارگران سوسیالیست» بریتانیا را نیز شامل می‌شوند، اشاره می‌کند این طیف از چپ‌ها از اسلام‌گرایان حمایت می‌کنند؛ چراکه آنان متحدان‌شان در مخالفت با جهانی‌شدن هستند و شعارهای ضدآمریکایی و ضداسرائیلی آنان برای‌شان جذاب است. در مقابل شماری از محافظه‌کاران غربی نیز اسلام و اسلام‌گرایان را به یک چوب می‌رانند. «اتلاف توقف جنگ»، «دیدهبان اسلام‌هراسی»، «اتحاد علیه فاشیسم»، «حزب رسیکت» همگی نمونه‌هایی از همکاری چپ‌گرایان افراطی بریتانیا با گروه‌های مذهبی هستند. منتقدان بر این باورند که این طیف از چپ‌گرایان خطر بنیادگرایی را جدی نمی‌گیرند. اظهارات اعضای این گروه‌ها نیز بر قوت و صحت ادعای منتقدان می‌افزاید.

حمایت کوربین از لزوم مذاکره بریتانیا با گروه‌های مذهبی در منطقه (و باوجود آنکه خود مارکسیست است و این با تعریف مارکس از مذهب و افون‌دانستن آن در تضاد است)، دست منتقدان او را برای انتقاد باتر می‌گذارد. در این‌باره، منتقدان سیاست خارجی کوربین در قبال خاورمیانه به راحتی می‌توانند این کرده‌اش را مطرح کنند که او چگونه در حوزه سیاست داخلی از مبارزه علیه تبعیض جنسیتی و لزوم تبعیض علیه زنان در خانه و محل کار و مقابله با خشونت خانگی حمایت می‌کند، درحالی‌که نهادهای حقوق بشری درباره وضعیت زنان در نوار غزه و اجرای قوانین سخت‌گیرانه و محافظه‌کارانه علیه آنان، انتقاداتی را در قالب انتشار گزارش و بیانیه مطرح کرده‌اند؛ باین‌حال، کوربین قویا حامی حماس است.



•

از دیگر نقدهای کوربین به سیاست خارجی بریتانیا، انتقاد او از فروش تسلیحات بریتانیا به رژیم‌های غیردموکراتیک و ناقض حقوق بشر است. این دیدگاه آرمان‌گرایانه در تضاد مستقیم با منافع اقتصادی بریتانیاست؛ چراکه به عریستان سعودی است و از زمان آغاز جنگ یمن، ۳۷ مجوز صدور سلاح به آن کشور صادر کرده است. ایندپندنت نیز در سال ۲۰۱۳ میلادی گزارش داده بود بریتانیا از فروش تسلیحات به رژیم‌های سرکوبگر جهان، از جمله در خاورمیانه و آفریقا، بیش از ۱۲ میلیارد پوند درآمد کسب کرده است. کوربین در حالی خواستار قطع حمایت بریتانیا از دولت‌های عربستان و بحرین شده است که قراردادهای نظامی بریتانیا و عربستان و تعهدات آن کشور در قبال آموزش کارکنان نیروی هوایی عربستان پیشینه‌ای تاریخی دارد و فقط در زمان انعقاد قرارداد «میامه» میان بریتانیا و عربستان در سال ۱۹۸۶ میلادی برای ارسال تجهیزات نظامی و جنگنده از لندن به ریاض بیش از پنج میلیارد پوند عاید بریتانیا شد. بریتانیا همچنین از فروش تسلیحات به اسرائیل درآمد سرشاری کسب کرده است، چنانکه تنها چند ماه پس از جنگ غزه، میان بریتانیا و رژیم اسرائیل قراردادی چهارمیلیون‌پوندی برای خریدوفروش تسلیحات منعقد شد و در فروش سلاح به اسرائیل رقابتی درینه میان لندن و واشنگتن وجود داشته است.

صلح‌طلبی کوربین تا جایی پیش رفته که او وعده داده است در صورت



«بل ریکور»، فیلسوف فرانسوی، در مقاله‌ای با عنوان «ایدئولوژی و اتوپیا» از کتاب «از متن تا کنش» اشاره می‌کند کارکرد اتوپیا فرافکندن تخیل به خارج از امر واقع و در جایی دیگر است که یک نامکان باشد و این همان معنای اولیه واژه اتوپیا است؛ یعنی جایی که اینجا نیست، مکانی دیگر که یک ناکجاآباد است. در اینجا نه فقط از نامکان، بلکه از نازمان هم باید سخن گفت برای اینکه نه فقط برون‌بودگی مکانی اتوپیا (مکانی دیگر)، بلکه برون‌بودگی زمانی (زمانی دیگر) را هم باید در آن تعین بخشیم. شاید این تعریف از اتوپیا مصداق واقعی رویکردی باشد که «جرمی کوربین»، رهبر تازه حزب کارگر، در پیش گرفته است. این استدلال رایج است که افزایش سن، معیار تشخیص میزان محافظه‌کاری یک فرد است. این معیار، اما درباره کوربین صدق نمی‌کند؛ چراکه سیاست‌مدار ۶۶ساله بریتانیایی از دوران جوانی که در جنبش ضد آپارتاید فعال بود تا امروز، رویکرد رادیکال خود را حفظ کرده است. او در حوزه سیاست داخلی خواستار ملی‌شدن بانک‌ها و صنایع و همچنین برخورداری شهروندان بریتانیایی از حق آموزش و بهداشت رایگان شده است؛ سیاست‌هایی که حمایت طیف وسیعی از جوانان بریتانیایی و البته انتقاد بسیاری از محافظه‌کاران و هم‌حزبی‌های کوربین را به همراه داشته است. باین‌حال، رویکرد رادیکال کوربین در عرصه سیاست خارجی وضعیت را به مراتب پیچیده‌تر می‌کند. اظهارنظرهای تند او درباره لزوم تغییرات بنیادین در سیاست خارجی بریتانیا که برخلاف سخنان معمول سیاست‌مداران آن کشور است، نگرانی جمع در خور توجهی از رهبران سیاسی بریتانیا را برانگیخته است، تاجایی‌که «دیوید کامرون»، نخست‌وزیر آن کشور، کوربین را تهدیدی «علیه امنیت ملی» بریتانیا خوانده است؛ ادعایی که در وهله نخست عجیب می‌نماید؛ اما نگاهی به پیشینه رویکرد کوربین در قبال مسائل بین‌المللی، آن را قدری در خور تأمل‌تر می‌کند. در سال‌های گذشته احزاب کارگر و محافظه‌کار همواره تلاش می‌کردند در عرصه سیاست خارجی به ویژه در حوزه خاورمیانه، رویکرد هم‌گرایی‌های اتخاذ کنند؛ برای مثال در جریان حمله نظامی علیه عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، «تونی بلر»، نخست‌وزیر وقت بریتانیا از حزب کارگر، از حمایت با کم‌حزب محافظه‌کار برخوردار بود؛ اما، درحال‌حاضر شکاف و اختلاف‌نظر بر سر مسائل مرتبط با خاورمیانه میان دو حزب شدید شده است. ازهمین‌رو است که دیوید کامرون و جرمی کوربین درباره مسائل مختلف منطقه، از جمله مسئله فلسطین نظرات کاملا متفاوتی با یکدیگر دارند. برخلاف محافظه‌کاران و جناح راست و میانه حزب کارگر، که روابط خوبی با رژیم اسرائیل در سال‌های گذشته داشته‌اند، کوربین که از جناح چپ حزب کارگر است، انتقادات شدیدی را علیه اقدامات رژیم اسرائیل مطرح کرده است. او از جمله حامیان کارزار تحریم کالاهای اسرائیلی است، مخالف فضایی دوستانه در بحث بوده است؛ چراکه از اراضی فلسطینی است و همچنین از تشکیل دولت فلسطین حمایت می‌کند و در نتیجه نخست‌وزیری احتمالی‌اش می‌تواند تأثیری مخرب بر روابط میان لندن-تل‌آویو بگذارد. درهمین‌حال، احتمال آن وجود دارد که بخشی از جمعیت یهودی مقیم بریتانیا و حامی رژیم اسرائیل نتوانند با او به دلیل مواضع رادیکالش در قبال اسرائیل، همکاری کنند و چشم‌انداز زندگی‌شان در بریتانیا با ابهام مواجه شود. اظهارات کوربین درباره حزب‌الله و حماس نیز چنگال‌برانگیز بوده است، او پیش‌تر در مصاحبه با شبکه چهار تلویزیون بریتانیا گفته بود حزب‌الله و حماس را باید به عنوان طرفین مذاکره به رسمیت شناخت و در قضیه منازعه فلسطینیان و اسرائیلی‌ها از دنیالهِروی بریتانیا از آمریکا انتقاد کرده بود و خواستار اتخاذ سیاستی مستقل از سوی لندن در این‌باره شده بود. پس از اوچ‌گیری انتقادات، او توضیح داد منظورش از اشاره به این موضوع که حزب‌الله و حماس را «دوستان» بریتانیا خوانده، ایجاد فضایی دوستانه در بحث بوده است؛ چراکه از نظر او «نمی‌توان صلحی برقرار کرد، مگر آنکه با در صورت مذاکره با تمامی طرفین».

البته رویکرد چنجالی او در قبال اسرائیل به همین‌جا محدود نشده بود.

او درحالی‌که موجودیت رژیم اسرائیل را به رسمیت شناخته از سیاست‌های اشغالگرانه این رژیم علیه فلسطینیان انتقاد کرده است. همچنین مخالفانش از وی به دلیل حضور در کنفرانسی درباره انکار هولوکاست، شدیداً انتقاد کردند.

تأکید بیش‌ازاندازه چپ‌های بریتانیایی به لزوم استفاده از دیپلماسی و گفت‌وگو با تمامی طرفین به گروه‌های فلسطینی محدود نمی‌شود؛ برای مثال،

«رابرت فیسک»، ستون نویس ایندپندنت، و طیفی از چپ‌های بریتانیایی از مذاکره با طالبان نیز حمایت می‌کنند. او همچنین مدعی است اگر آمریکایی‌ها و غرب زودتر با «اسامه بن لادن»، رهبر القاعده، وارد گفت‌وگو می‌شدند، حوادثی همچون یازدهم سپتامبر روی نمی‌داد. بنیاد شون نظر جرمی کوربین درباره رابطه طیفی از چپ‌های غربی با جریان‌ات اسلام‌گرا در منطقه را از مصداق آنچه «بسام طبعی»، استاد بازنشسته سیاست بین‌الملل در دانشگاه توپینگ، در